

کتاب جدید دکتر داوری اردکانی

**اخلاق در عصر مدرن**



«شاید هرگز در هیچ‌جا این همه که اکنون در همه‌جا و از جمله در ایران درباره اخلاق می‌گویند و می‌نویسند، نگفته و نوشته باشند.تعداد کتاب‌ها،مقالی که در ۲۰ سال اخیر در باب اخلاق و علم، اخلاق و دین،

اخلاق و سیاست،اخلاق حرفه‌یی و حتی اخلاق پژوهش نوشته شده است، شاید از عدد مجموعه کتاب‌های اخلاقی طی تاریخ بیشتر باشد. چه شده است و چه نیازی پژوهندگان و نویسندگان را برانگیخته است که به اخلاق رو کنند؟ آیا علاقه و تعلق خاطر به اخلاق بیشتر شده است. یعنی آیا این توجه را باید نشانه پیشرفت و کمال اخلاقی دانست؟این پرسش‌ها در ابتدای مقدمه کتاب «اخلاق در عصر مدرن» آمده است و نویسنده، مطالب کتاب را ناظر به خلیجان‌ها و نگرانی‌های اخلاقی می‌داند و تأکید می‌کند که این قبیل نوشته‌ها و آثار بیشتر نشانه است و کمتر اثری در وضع اخلاق و بهبود آن دارد، مع‌هذا باید امیدوار بود که بعضی از آنها مایه تذکر شود. نویسنده در بخش دیگری از مقدمه آورده است: «درست است که اخلاق هرگز هیچ‌جا جاشین حقوق و فقه نشده است، اما باید قریابت یابستی میان این سه‌وجه‌دانشته باشد که کسی نتواند فکر کند که اینها می‌توانند جای یکدیگر را بگیرند. این نزدیکی کجاست و در چیست؟ جایی که اخلاق و حقوق و دین به هم می‌رسند کجاست؟ اینجاست جایی است که مردمان در آن احساس تعلق و تسلیم می‌کنند، گویی آدمیان از جایی به کاری و راهی دعوت می‌شوند، و وظایفی به عهده آنان گذاشته می‌شود و امور و اعمالی باز داشته می‌شوند و این دعوت در دین الهی (و نه طبیعی) از جانب خدا و توسط وحی است و در حقوق از سوی جامعه برای نظم‌بخشی روابط انسانی است. اما دعوت اخلاق از کجاست؟ یعنی آدمیان چرا اخلاقی هستند؟» نویسنده در انتهای مقدمه مفصل کتاب با بیان اینکه تاریخ غرب تاریخ غلبه است و از حدود یک قرن پیش تاکنون اخلاق در جهان متجدد به سمت ادبار رو کرده است و با اشاره به این پرسش که آیا اخلاق می‌تواند قدم پیش بگذارد و از بروز فساد و آشفتگی و پریشانی در کارها جلوگیری کند، می‌نویسد: «من این دفتر را به عنوان یک دانشگاهی که شغفلت تعلیم فلسفه است، نوشته‌ام، بلکه در آن نگرانی و وحشت آنچه را از آینده انسانیت، به حساب آورده‌ام. برخلاف آنچه دلخوش‌کردگان به مفاهیم و اصطلاحات می‌پندارند من این راه را سرازیری می‌بینم، گویی مردمی که از رفتن به سرپلانی درمانده‌اند، به روی خود پیروزند و به بازگشت و سیر در سراسر شب رضایت داده‌اند. اگر این نظر خدای نکرده بهره‌یی از حقیقت داشته‌باشد، این جهان به هر‌جا برود، به سوی مدینه آزادی و عدالت و اخلاق و دوستی می‌رواقنی.رود مگر آنکه درنگ کنیم و نظری به راه و چشم‌انداز آن و مسیر طی شده بیندازیم و ببینیم توانایی رفتن و اقامت در سنگنا‌های راهی که می‌نهایت است و به‌معنی جانی‌درسد، داریم؟»شده و زمینه این تذکر در تاریخ علاوه‌بر مقدمه‌شامل ۱۵ فصل است که عنوان این عبارتند است: «اخلاق و فرهنگ»، «اخلاق و سیاست»، «اخلاق و اخلاق»، «علم، سیاست و اخلاق»، «علم، سیاست و اخلاق ۲»، «حقیقت و سیاست»، «دانشمند و سیاست؛ سیاستمدار و دانش»، «عدالت و سیاست»، «عدالت و سیاستمدار و دانش»، «توجه به جزئیات لازم‌عن علمی و اخلاق»، «مقدمه‌یی بر ای طرح اخلاقی اخلاق»، «ملاحظاتی است: استخراج اخلاق در جهان علم و مهندسی»، «اخلاق فضلی از الهیات»، «تقدیر خواننده در حکمت متعالیه»، کتاب حاضر در زمستان سال جاری در ۲۸۳ صفحه و به‌شمارگان ۱۱۰۰ نسخه توسط انتشارات سخن به چاپ رسیده است.

**آنچه هگل را هگل می‌سازد**



از مجموعه دفت‌های سیاست مدرن کتاب «هگل» با ترجمه محمد مهدی اردبیلی از سوی نشر روزبهان منتشر شد. کتاب شامل پنج منتخب از هگل است که سعی شده حتی لامکان نام دوره‌های اندیشه‌سیاسی در او دربرگیرد. متن نخست به نوشته‌یی سیاسی از هگل جوان اختصاص دارد که آشکارا واکنشی است به مسائل روز. متن دوم بخشی است از پدیدارشناسی روح. متن سوم و چهارم نمونه‌هایی از رویکرسیاسی هگل متأخرند که شامل سخنرانی مشهور وی در برلین است. فصل آخر نیز از درس‌گفتارهای فلسفه دین استخراج شده است که هگل کتاب چندنامه پیش از مرگش ایراد کرده بود. در بخشی از مقدمه کتاب آمده است: شاید هگل توانسته باشد فلسفه حاش را باالجابیر زیر تیغ خود ناسورنی برد و پیشگفتارش را تحت‌تاثیر فرمان‌های کلساید به‌طرز محافظه‌کارانه‌یی بازنویسی کند. شاید وی جملات صریحی در دفاع از دولت پروس آلمان بیان کرده باشد. در مقاطعی هگل چنان نسبت به دین دست‌بردار و غلام روحانی احساس خطر کرده که لحنش به‌نحوی افراطی به موعظه‌های دینی می‌ماند؛ شاید بارها و بارها آنچنان نسبت به تعارض‌های مومکراسی شهادر دادو اینصن تعارضات را بزرگ‌نمایی کرده‌باشد که گویی از چاله دموکراسی به چاه سلطنت مطلقه در افتاده و در نهایت اگر نتواهم به خود فریبی تن دهم، شاید می‌بایست ادعای کتبم که فلسفه‌سیاسی هگل، چه خوشاییدنان باشد چه نباشد، فلسفه‌یی راستگراست؛ اما اینها همه و همه نمی‌توانند سلیبت دیالکتیکی هگل را تحت‌الشعاع قرار دهند. آنچه اساس فلسفه هگل است، آنچه هگل را هگل می‌سازد و آنچه اولتاف و تقابلی و جوان هگل از هگل به ارث برده‌اند، همانا دیالکتیک هگلی است که هیچ‌گاه نمی‌توان آن را ناما

در اندیشه‌یی محافظه‌کارانه، غایت‌طلبانه و راستگرایانه هضم کرد؛ بلکه همیشه چیزی در آن وجود دارد که از هرگونه تن‌دادنی می‌گریزد و هموارمیل دارد تا همه چیز را از هم بپاشاند؛ این همان نفی مطلق هگل است. موتور محرکه دیالکتیک نفی است؛ نفی‌ای که هیچگاه خاموش یا ساکت نمی‌شود. در نتیجه این نگاه دیالکتیکی نهنها دام فلسفه، تاریخ، دین و دولت را می‌گیرد، بلکه ذاتا با هر ایستایی و بی‌ثباتی در تعارض است. هر شکلی از «نظم اشیا» به‌ناچار مجبور است تا به نفی تن دهد و در صورت مقاومت در برابر این تغییر نیز به‌ناچار صلب‌تر و سخت‌تر می‌شود. در نتیجه هر پدایشی محتومش همبست‌تر خواهدبود.

## مکتوبات

سعيد هتمنی
مواجهات مجموعه‌یی است متشکل و پراکنده در موضوع، ولی نکته اول در مواجه‌شدن با این مجموعه این است که مواجهات حرکت از درون متن است به اجتماع تا بیروهای آوازشده از رهگذر خواننده‌شدن، به بیروهای بیرون بپیوندند. مواجهات خوانشی است از ضرورت‌های تئوریک ما و تداوم و بی‌سقط آن منوط به ادامه مسیر انتقال مفاهیم به سمت و سویی پراپتیک است تا با اقتضام مفاهیم جدید به سبک زندگی اتقاقی نوع خود هند و آن «سیاست متن» است. در مواجهات انضمام به «امر واقع» توان در گیری ذهنی خوبی برای خوانش آثار ایجاد می‌کند. ویراستار مجموعه «حسام سلامت» شروع می‌شود. و این مجموعه درست در انتظار همان لحظه ما با مخاطب خود همراه می‌ماند. تا مآزم شوم به انگیزه‌یی دایم برای تحرک و بروفت از اکنون خویش و این تأکید مهمی است که مجموعه ما تنها با همین قوت ادامه یابد.فوتی که قوت ما است در روزگار که کمتر مجموعه‌یی را می‌توانم می‌رسد و تمام می‌کند تمام وظایف ذاتی را که از یک مجموعه انتظار می‌رود. مواجهات از این نگاه جایگاه خود دارد؛ چون با چاب‌کنشی متفاوت از حیث توجت مطلق در حال درگزرکن ساختن زندگی روزمره است. کارهایی که در مجموعه مواجهات تاکنون به چاپ رسیده است: «فردیت اشتراکی» از کریستوا، «معماری زیان» از چامسکی، «فرانسیس بیکن: مفاهیم احساس» از ژیل دلوز، فرودید، صحنه نوشتار» از ژاک دریدا، «فلسفه در خیابان: عبور از فروک و دریدا» از روزبه گیلانسیان، «آنگاه و خودآگاهی در پدیدارشناسی روح هگل» از محمدمهدی اردبیلی و «انقلاب را به مخاطرم می‌آورید؟» از دلوز نگری تروتزی.

## معماری زیان» اثر نوام چامسکی

این کتاب از آن دسته کتاب‌هایی است از چامسکی که ساده نوشته شده در یک گفت‌وگو، مسائل فنی زیان به بحث گذاشته می‌شود. به باور چامسکی بشر در «مطالعات علوم طبیعی» کمتر دچار مناشئه می‌شود. از آن سو در حوزه اجتماعی و سیاسی ناخردی و عدم پیشرفت در تئوری‌های سیاسی، اجتماعی او را ناین حد که بشر استعداد کافی برای پاسخگویی به این حیطه را ندارد، می‌شکاند. چامسکی نقش روشنفکران را در پیچیده‌کردن این فضا به این انتقاد می‌گیرد. چامسکی در این بحث به صورت ساده به واکاوی «ساختاری نحوی و جنبه‌های نظری نظریه نحوه» می‌پردازد. شکل‌گیری زیان، برنامه ژنتیکی زیستی بشر که نشان‌دهنده استعداد یکسان انواع بشر در هوش یادگیری زیان است، گوناگونی زیان، اصول و سازوکار برخورد با این زیان‌ها نیز جزو مباحث جدی چامسکی است.

# شریعتی‌وپدیدارشناسی تاریخی‌دین

دکتر بیژن عبدالکریمی

## ۱- هدف مقدمه

هدف این مقاله برجسته‌کردن رویکرد پدیدارشناسانه در تفکر شریعتی در مواجه‌اش با تاریخ به‌طور کلی و با مقوله‌دین و تاریخ ادیان به‌طور خاص و نیز اهمیت این رویکرد در تخریب تفکر تئولوژیک و نیز در گذر از مواجهه‌های غیر پدیدارشناسانه با تاریخ است. نگارنده این مقاله معتقد است که تفکر آینده‌پشری و نیز تقدیر تاریخی آینده‌مایر ایتان از رهگذر رویکرد پدیدارشناسانه و نه رویکردهای تئولوژیک و ایدئولوژیک عبور خواهد کرد.

### ۲- اهمیت و ضرورت بحث

در معنای عام پدیدارشناسی را شاید بتوان وصف کلی تفکر و عین تفکر دانست و ریشه‌های جریان فلسفی معاصر را شاید نیز قدرقدرت متفکران گذشته نیز رهیایی کرد. اما در روزگار ما، با هوسرل، بنیانگذار پدیدارشناسی در معنای اصطلاحی و خاص آن و در جریانات فلسفی مابعد هوسرلی پدیدارشناسی اثری ژرف در فلسفه معاصر و در تفکر متفکری چون هایدگر، اگزیستانسیالیسم و حوزه‌های گوناگون روانشناسی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، فرهنگ‌شناسی، دین‌شناسی و… نگذاشته است. پدیدارشناسی چالشی است با همه پیش‌داوری‌ها و نظام‌های‌های جزئی متافیزیکی، ایدئولوژیک و تئولوژیک. در همه رویکردها و نظام‌سازی‌های جزئی، پدیدارها در پای مفروضات و موضع‌گیری‌های جزئی پیشین قربانی شده، لذا حقیقت می‌برد. پدیدارشناسی رویکردی است که تأکیدش بر این است که هدایت مسیر پژوهش باید با پدیدار و موضوع مورد پژوهش باشد و تفکر محتوای خود را باید از ابزار مورد مطالعه و نه از مفروضات یا مواضع جزئی پیشین متافیزیکی، سیاسی، ایدئولوژیک یا تئولوژیک پژوهشگر اخذ کند. پدیدارشناسی بر وصف انکشافی پدیدارها تأکید دارد، یادآور می‌شود با غفلت از وصف انکشافی پدیدارها، تفکر و پژوهش مضمون و محتوای حقیقی خود را از کف می‌دهد. پدیدارشناسی خواهان است به این امر توجه کند. سنت تاریخی پژوهش ناپدیدکوشد بر پدیدار چیره‌شود و پژوهشگر باید بداند که یک چنین چیرگی‌ای از اساس امکان‌پذیر نیست. لذا نظریه نباید به منزله ابزاری برای چیرگی بر پدیدار تلقی شود، بلکه فقط چشم‌اندازی است تا پدیدار خود را در آن آشکار سازد. عشق و احترام به پدیدارها شرط تفکر است. ما باید با پدیدار یکپوشیم، به آن درس دهیم. البته می‌توانیم از پدیدار پرسش کنیم، اما نمی‌توانیم پاسخ را به دهانش بگنجانیم. البته می‌توانیم پاسخ را به دهان پدیدار گذاریم، لیکن آنگاه است که محتوای تفکر و نظریه ما از کف خواهد رفت. این ماییم که خود را با پدیدارها با دیده‌های کتیم و نه پدیدارها با ما. با استفاده منصفه معاصر و به تبع آن تفکر آینده‌پشری و نیز تفکر آینده در پارمازا رهگذر پدیدارشناسی می‌گذرد. پدیدارشناسی، در معنای عام کلمه، جایگزین همه نظام‌های متافیزیکی، تئولوژیک و ایدئولوژیک بااست تا تاریخ و غرب‌پنداری‌ها را متفکر شریعتی کمتر می‌قابلد هوسرلی آن، بلکه در معنای عام و گسترده‌یی که اینجانب از آن مراد می‌کنم، تجدید تعاده‌یابی و وجود و حقیقت است. این مسئله خود رصده آن است وجود و جوهری از رویکرد پدیدارشناسانه در مواجهه با تاریخ و نیز مقوله اساسی و بنیادین دین را در تفکر شریعتی برجسته ساخته، نشان دهد که این جزوه می‌تواند ما را در این امر تجدید عهد یاری دهند. به این اعتبار، تفکر شریعتی در دفاع از تکثیر تکانه‌های کتاب در ابتدای هر مجموعه فراروی حیات اجتماعی و تاریخی ما است. آینده حیات اجتماعی ما و خروج ما از بحران‌های کنونی مان به رهبری سرکردگی رویکردی از سنخ رویکرد پدیدارشناسانه شریعتی با مسائل و پدیدازها خواهد بود و نه سنت‌گرایان و اصحاب تئولوژی و نه روشنفکران سکولار ما، که پدیدارها را در پای مفروضات تئولوژیک و ایدئولوژیک خویش قربانی می‌سازند.

## ادبیات پشیه

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

## ادبیات پشیه

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی

دکتر بیژن عبدالکریمی